

فهرست مطالب

بسم الله الرحمن الرحيم	۲
مقدمه	۲
آثار غیبت	۲
آثار دنیوی	۲
آثار اخروی	۳
آثار غیبت در قبر و برزخ	۳
آثار غیبت در قیامت	۳
آثار غیبت در نوع عذاب	۳
آثار غیبت بر کیفیت عذاب	۳
پرسش و پاسخ	۵
خلاصه بحث	۶
بررسی عوامل غیبت	۶
جمع بندی بحث	۹
متعلقات	۱۰

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

حدود ده روایت در وسائل و مستدرک آمده که بیشتر این روایات به «حبط» اشاره می‌کنند و یکی دو مورد، اشاره به نقل الحسنات می‌کند که این از قواعد مهمی است که ما در بحث معاصی و طاعات داریم.

آثار غیبت

آثار دنیوی

برخی از آثار غیبت، در دنیا شکل می‌گیرد ولو آثاری که بعداً امتداد دارد، یک اثرش همان اثر جسمانی است که یک روایت آمده و روایت معتبر نمی‌باشد، اما در رابطه با دو اثر حبط الحسنات و نقل الحسنات حدود ده روایت آمده است که گناه شخص غیبت‌کننده، از چنان اهمیتی برخوردار است که وضو و نماز و روزه، - مخصوصاً در باب روزه متعدد وارد شده است - و نیکی‌های شخص را از بین می‌برد.

در اینجا نیازی به سند نیست؛ چون اگر در موارد متعددی وارد شده و ضعف خاص و شائبه‌ای نداشته باشد آن قاعده را باید پذیرفت و در چند مورد هم قاعده نقل آمده است که بیانگر این است که هنگام غیبت، حسنات شما به پرونده شخص غیبت‌شده منتقل می‌شود. همچنین در روایتی وارد شده که غیبت موجب خروج انسان از ولایت خدا و دخول وی در ولایت شیطان است.

این سه قاعده در اینجا به عنوان آثار غیبت در قسم اول وجود دارد که در همین دنیا، در پایه بقیه آثار ریخته می‌شود؛ یعنی کسی که در این دنیا به غیبت مبتلا شده است، بر اساس ده روایت موجود در این باب در همین دنیا: - کارهای خویش را باطل کند و حتی در برخی از روایات وارد است که تا چهل روز اعمالش مقبول نمی‌شود. مخصوصاً درباره روزه در روایات تأکید شده است.

- حسنات او به دیگران منتقل می‌شود.

- از ولایت خدا خارج و در ولایت شیطان داخل می‌شود.

آثار اخروی

آثار غیبت در قبر و برزخ

برخی از این آثار، مربوط به قبر و برزخ می‌شود که گفتیم در *کنز العمال* هم دارد و عامه و خاصه هر دو دارند که غیبت موجب عذاب قبر می‌شود.

آثار غیبت در قیامت

نوع دیگر، آثاری است که برای مغتاب و غیبت‌کننده در قیامت ذکر شده است، مثلاً یک اثری دارد که اهل قیامت و کسانی که در مواقف قیامت‌اند، از بوی ناخوشایند دهان غیبت‌کننده اذیت می‌شوند «يَفْوَحُ مِنْ فِيهِ رَائِحَةٌ أَتْنُ مِنَ الْجِيفَةِ يَتَأَذَى بِهِنَّ أَهْلُ الْمَوْقِفِ»^۱.
حقیقت ملکوتی آثار دنیوی غیبت، در قیامت بروز و ظهور پیدا می‌کند.

آثار غیبت در نوع عذاب

آثاری نیز در اصل عذاب و ورود در نار و خروج از جنت و حرمان از جهنم ذکر شده است و در روایات هست که جنت بر او حرام است و نار بر او داخل می‌شود و اهل غیبت، مسارعه و تسرّع به نار دارد؛ یعنی زودتر از دیگران به سمت جهنم روانه می‌شوند. این حرمان از جنت و دخول فی النار است و در روایتی «و الخلود فی النار» «و التسرّع فی دخول النار» است.

آثار غیبت بر کیفیت عذاب

غیبت در کیفیت عذاب شخص در جهنم مؤثر است که این هم قانون و قاعده‌ای دارد که همه گناهان موجب دخول در جهنم می‌شوند مگر اینکه توبه‌ای بیاید یا مثلاً کفاره‌ای برایش پیدا بشود؛ ولی عذاب‌ها در جهنم، درکات و

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۷۸، باب تحریم اغتیاب المؤمن، ح ۱۳.

درجات دارد و نوع عذاب‌ها هم بر حسب نوع گناه متفاوت است؛ لذا در روایات برای انواع گناهان، خیلی مورد توجه قرار گرفته است و رابطه هر گناه با نوعی از انواع عذاب‌ها و شکنجه‌های جهنم ذکر شده است.

در باب غیبت، پنج نوع عذاب خاص برای غیبت ذکر شده است:

- «تُقَرَضُ شِفَاهُهُمْ بِمَقَارِیضَ مِنْ نَارٍ»^۲ لب‌های آنها را با قیچی‌هایی از آتش می‌برند که مستمر هم هست.

- «ضَرَبْتُ نَوَاحِیَ أَلْسِنَتِهِمْ بِمَقَامِعٍ مِنْ نَارٍ»^۳، دائم زبان‌هایشان را با یک ابزارهای کوبنده‌ای که از آتش است

می‌کوبند

- خود این‌ها در جهنم با دست خودشان دائماً پوست خودشان را می‌کنند.

- آتش به صورت مستمر به دهانشان وارد می‌شود و از پشت آن‌ها خارج می‌شود «تَدْخُلُ النَّارُ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَ

تَخْرُجُ مِنْ أَدْبَارِهِمْ»^۴

- در یک جایی که طینت و خبال است، حبس می‌شوند. «وَقَالَ ع: مَنْ اغْتَابَ مُؤْمِناً حَبَسَهُ فِي طِينَةٍ خَبَالٍ ثَلَاثِينَ

خَرِيفًا قِيلَ وَ مَا طِينَةُ خَبَالٍ قَالَ مَا يَصِيرُ طِينًا مِنْ صَدِيدِ فُرُوجِ الزَّوَانِي»^۵ که در یک آب بسیار گندیده ای، حبس

می‌شوند.

بنابراین آثار غیبت را که هیجده مورد می‌شود، در این پنج گروه می‌توان ساماندهی کرد بدین صورت که آثاری

که مربوط به این دنیا می‌شود یا آثاری که در قبر بروز می‌کند و آثاری که در قیامت مترتب بر غیبت‌کننده می‌شود و

آثار ویژه ای که در جهنم گریبان گیر غیبت‌کننده خواهد شد.

گفتیم از نظر فقهی، گروه اول بالمطابقه، حرام است، گروه دوم و سوم بالملازمه و به دلالت اقتضاء حرمت غیبت

را می‌رساند. تقریباً همه آثاری که اینجاست مفید حرمت است، حتی اثر قبر و برزخ ظاهرش این است که گناهی

است که موجب آن عذاب می‌شود و همه این آثار، به دلالت اقتضاء، مفید حرمت‌اند.

^۲ - مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۲۶، ح ۵۱.

^۳ - بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۴، ص: ۴۳.

^۴ - مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۲۵، ح ۴۵.

^۵ - همان، ص ۱۱۴، ح ۶.

گرچه روایت معتبری درباره حبط و نقل حسنات نیست، اما تعدد روایات کافیست که اثبات بکند و ورود ده روایت در آن کافی است.

پرسش و پاسخ

طلبه: آیا تک تک این ده روایت، همین معنا را می‌رساند؟

استاد: بله تک تک این ده روایت، غالباً مفید حرمت است، وقتی می‌گویند حبط حسنات می‌کند، این حبط در گناهان است یا نقل حسنات به طرف دیگر، در گناهان است. حبط مخصوصاً مفید گناه است و اما «آکلة فی جسده»، مدلولش این نیست. در قیامت بوی بدی از دهانش ساطع می‌شود این مورد هم هکذا بعید نیست، عذاب قبر و حالات قیامت هم به آن وضوح بقیه نیست ولی درعین حال فی حد نفسه بعید نیست که مفید حرمت باشد، آن‌هایی که می‌گویند «یدخل فی النار و یحرم عن الجنة» ملازمه بین خیلی واضحی دارد. این مجموعه آثاری است که برای غیبت ذکر شده است و مفید حرمت هم است.

آثار هجده‌گانه که در پنج قسم گنجانده شد، مترتب بر یک غیبت می‌شود یا این که کسی که معتاد به غیبت است؟

جواب: ظاهر امر این است که غیبت ولو فرد واحدش هم این آثار را دارد، منتهی بحث توبه و ... امری است که در غیبت نیز هست والا بر یک غیبت این آثار مترتب می‌شود منتهی به اندازه خودش اثر دارد. یک غیبت به اندازه خودش، حبط حسنات می‌کند، اگر تکرار پیدا بکند، موجب مزید عذاب می‌شود.

از عواملی که موجب اشتداد گناه می‌شود، تکرار گناه است و موجب کبیره شدن گناهان می‌شود و اکبر شدن گناه کبیره می‌شود و بدین ترتیب درجات گناه بالاتر می‌رود؛ قاعده تصاعدی افزایش عقاب در صورت تکرار گناه.

اینکه گناه موجب مزید عذاب می‌شود، خیلی واضح است چه دلیلی برای ذکر این مطلب در روایات هست؟

جواب: وقتی گناه تکرار می‌شود روایت نمی‌گویند حجمش بیشتر می‌شود، روایت می‌گویند وقتی اصرار می‌کنید، هر یک از این‌ها که بعد از گناه اول می‌آید، عذابش به صورت تصاعدی می‌آید یعنی گناه دوم و سوم و چهارم، تصاعدی افزایش پیدا می‌کند، نه این که پنج گناه، پنج عذاب و عقاب دارد، بلکه گناه دوم و سوم و.. موجب افزایش عقاب به صورت تصاعدی می‌شود. فلذا وقتی می‌گویند تکرار گناه، موجب اشتداد عقوبت می‌شود، حد حجم تعددی را نمی‌گویند، بلکه می‌گویند حجم عذاب تصاعدی افزایش می‌یابد؛ یعنی گناه پنجمی، مثل گناه اولی نیست، عقابش به

مراتب شدیدتر است؛ چون اصرار علی الذنب بر آن صادق است؛ بنابراین مقصود از اصرار علی الذنب، شدت در مراتب عذاب به صورت تصاعدی است.

طلبه: هر گناه، یک عذاب است و هر حسنه ده برابر ثواب دارد.

استاد: آن یک امر قیاسی است، ممکن است یک گناه، چندین نوع عذاب داشته باشد، در مقایسه می‌گوید ما حسنات را چند برابر ثواب می‌دهیم و سیئات را به اندازه خودش عقاب می‌کنیم. این مقایسه حسنات و سیئات است؛ و الا ممکن است یک گناه چند نوع عذاب داشته باشد، هم به صورت طولی، از لحظه احتضار گرفته تا برزخ و قیامت و جهنم و هم این که در جهنم انواعی از عقاب‌ها ممکن است بر آن گناه مترتب بشود و منافاتی با آن مسئله ندارد.

خلاصه بحث

- طایفه اولی، روایاتی است که به صراحت حرمت را بیان می‌کند.

- طایفه دوم، روایاتی است که تشبیهات و تنظیمات و بیان حقیقت ملکوتی غیبت است که همین اُکل لحم میتة است که بالملازمه افاده حرمت می‌کند.

- طایفه سوم، روایاتی است که آثار غیبت را بیان می‌کند - آثار هجده‌گانه یا بیست‌گانه غیبت را در پنج گروه مرتب کردیم با توضیحات مختصری که ذکر شد - غیبت از معدود گناهانی است که حجم بسیار زیادی اثر برایش ذکر شده است هرچند برای سایر گناهان هم آثاری ذکر شده است؛ تا اینجا حقیقت ملکوتی غیبت و آثار مترتب بر آن در دنیا و آخرت از روایات ذکر شد.

بررسی عوامل غیبت

طایفه چهارم: روایاتی که به عوامل غیبت (آن حالات و روحیاتی که موجب به غیبت افتادن افراد می‌شود) اشاره می‌کند.

تعدادی از روایات به بُعدی از غیبت پرداخته‌اند. هرچند معمول این روایات، سند معتبری ندارند، ولی مجموع این روایات را نمی‌توان کنار گذاشت.

یکی از این روایات، روایت ۱۹ حرمت غیبت در مستدرک الوسائل است.^۶

نکته: کتاب وسائل که بدان ارجاع می‌دهیم وسایل چاپ جامعه مدرسین، متن بالا، کتاب وسائل و ذیلش متناسب با آن روایات مستدرک را هم آورده است.

تابه حال وسائل و مستدرک دو مجموعه روایی است که به هنگام مراجعه باید به هر دو مراجعه می‌کردیم اینجا هر دو کتاب را در یکجا جمع کردند. روایات حرمت غیبت که بحث می‌کنیم باب ۱۵۲ از ابواب احکام عشرت کتاب حج است که این وسائل‌ها جلد ۱۱ است.

ما متنی که بر طبق آن عمدتاً پیش می‌رویم مکاسب محرمة است و کتاب‌های عمده‌ای که در اینجا در مکاسب محرمة مورد مراجعه است عمده کتاب‌ها، مکاسب محرمة حضرت امام؛ است که دو جلد می‌باشد، مصباح الفقاهة مرحوم آقای خوئی است که بر اساس همین تنظیم شده است و مکاسب محرمة مرحوم استاد آیت‌الله تبریزی و همین‌طور آقایان مکارم و سبحانی و مذهب الأحکام مرحوم سبزواری و جواهر و ریاض که به این‌ها مراجعه می‌کنیم.

یکی از روایات طایفه چهارم، روایت ۱۹ وسایل ص ۱۵۲ است. این روایت از مصباح الشریعة نقل شده است. مصباح الشریعة، همان‌طور که ملاحظه کردید که منسوب به امام صادق علیه‌السلام است و روایاتش، روایات امام صادق علیه‌السلام است و روایات اخلاقی خیلی زیبا و خوبی دارد معمولاً روایاتش سندی ندارد اما به هر حال یک مجموعه روایات اخلاقی مهمی دارد. در مصباح الشریعة، از امام صادق این روایت نقل شده است که حضرت ده عامل برای غیبت ذکر کردند و فرمودند: «وَأَصْلُ الْغَيْبَةِ يَتَنَوَّعُ بِعَشْرَةِ أَنْوَاعٍ»^۷ که ده نوع است که تنوع بیشتر مربوط به عواملی است که موجب غیبت می‌شود.

- شفاء غیظ (انتقام‌جویی): یک نوع از غیبت از روحیه‌ای است که از ناحیه تشفی و انتقام‌جویی صادر می‌شود، برای انتقام از دشمنش، اسرار او را فاش می‌کند.

- مساعدة قوم: این که همراه با مردم می‌شود. گاهی از باب همراهی با دیگران، شروع به غیبت می‌کند.

- تهمت: روحیه تهمت زدن، موجب غیبت می‌شود.

^۶ - مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۵۷، ح ۱۹.

^۷ - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۹، ص: ۱۱۸.

- تصدیق خبر بلاکشفه: گاهی از این جهت است که از روی سادگی، حرفی را که شنیده، نقل می‌کند بدون این که به واقع مطلب واقف باشد.

- سوءظن: گاهی غیبت از بدگمانی و سوءظن ناشی می‌شود.

حسد: بعداً خواهیم گفت که حسد مهم‌تر است.

سخریه: روحیه مسخرگی باعث غیبت می‌شود.

تعجب: روحیه خنداندن دیگران، منجر به غیبت می‌شود.

تزئین: خوب نشان دادن خود و خودنمایی برای دیگران، منجر به غیبت می‌شود.

آنچه ما از این روایت و روایات دیگری که مثلاً در غررالحکم آمده است مثل «الْغِيْبَةُ جُهدُ الْعَاجِزِ»^۸، «الغيبه عادة اللئام»، «الغيبه آية النفاق» و...، بیانگر این است که چند عامل مهم، انسان را به غیبت وامی‌دارد.

شاید عامل مهم و اولین عاملش، حسادت است و تحلیلش این است که حسد امری است که ریشه بسیاری از گناهان است و حسادت موجب می‌شود که شخص به غیبت پناه ببرد؛ عامل دیگر خشم و غضب و انتقام‌جویی است که در روایات آمده است؛ عامل دیگر نوعی پست‌فطرتی و سبکی انسان است که بدون انتقام یا بدون حسادت، ولی به خاطر پست‌فطرتی متعرض غیبت می‌شود. عامل دیگر مثل خنداندن مردم و روحیه تفریح و تفرج است که این عوامل هم در روایات ذکر شده است؛ از لحاظ عمل، همه این موارد، غیبت و حرام است ولی به لحاظ قبح فاعلی، متفاوت است. در جایی که غیبت از یک حس انتقام‌جویی و کینه‌ورزی شدتی دارد یا آنجایی که از حسادت است و یا از حس تکبری است که قصد تحقیر دیگری را دارد. این دو سه عامل عوامل قبیح و زشت‌تر انتقام‌جویی، حسادت و تکبر و تحقیر دیگری که عوامل درجه یک غیبت است که به شدت غیبت می‌افزاید و در مراتب بعد، مثل همراهی با دیگران یا تفرج و تفریح و یا مسخره‌بازی‌ای که در برخی مجالس صورت می‌گیرد و منجر به غیبت می‌شود که عمده‌تاً این سه چهار عامل است یعنی حسادت، انتقام‌جویی و تحقیر و تکبر و سه چهار عامل دیگر در رتبه بعد است.

در روایات، درباره عوامل به اندازه آثار غیبت توجه نشده است. حجم روایات درباره آثار غیبت بیشتر است و این هم قاعده‌ای است که معمولاً در گناهان بیشتر به آثار گناه توجه دادند برای این که انسان را بر حذر بدارند و به

^۸ - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۲۲۱.

عوامل در درجه بعد توجه شده است. البته این‌ها همه سرنخ‌هایی است که از نظر دانش روانشناسی باید روی این مطالب باید تحقیق صورت بگیرد و برای اصلاح خود فرد یا دیگران هم مؤثر است.

آنچه روایت و از تجربه برمی‌آید این است که غیبت، یک فعل صادره از جانب انسان است و علی‌القاعده این فعل به یک عوامل درونی و روحی برمی‌گردد و آن عوامل درونی و روحی همان حسادت و کبر و حس انتقام‌جویی یا یک نوع پستی ذاتی و فطری که در انسان‌ها شکل می‌گیرد. این‌ها عوامل روحی و روانی است که انسان را به این عمل وامی‌دارد که با حرف و سخنش اسرار دیگران را فاش کند و به آبرو و حیثیت دیگران لطمه بزند.

سلسله این گناهان از بحث‌هایی است که زنجیروار و تسلسلی در بخشی از گناهان است که غیبت از زنجیره‌هایی است که وصل به حلقه‌های دیگری است که این‌ها عوامل غیبت است و حلقه متصله به طرف غیبت است که عمدتاً همان حسادت و تکبر و تحقیر و استهزاء از عوامل عمده غیبت است.

نکته:

در بحث اشتداد گناه بین ده تا دوازده عامل را جمع کردیم که چند مورد عوامل در کتب اخلاقی است. انگیزه‌ها و عوامل هم علی‌القاعده در شدت و ضعف گناه مؤثر است و باید این عوامل را مستند کرد؛ یعنی درجه قبح فاعلی می‌تواند در درجه قبح فعلی هم اثر بگذارد، این که شخصی، نهایت کینه‌توزی و حسادت را نسبت به دوستش و هم بحثش را اعمال می‌کند و با غیبت به او لطمه می‌زند و یا این که شخصی در یک مجلسی جهت تفریح و خودنمایی غیبتی می‌کند که پستی و لثامت آن‌چنانی را ندارد. حالات روحی در شدت و ضعف غیبت اثر می‌گذارد.

جمع‌بندی بحث

تا اینجا بیان شد که از حدود صد روایت در باب غیبت، حرمت استفاده می‌شود و ما این روایات را به پنج قسم تقسیم کردیم.

روایاتی که نفی و نهی صریحی و بالمطابقه‌ای دارد.

روایاتی که تشبیه و تنزیلی دارند.

روایاتی که بیان حقیقت ملکوتی غیبت می‌کنند.

روایاتی که آثار گناه را بیان می‌کنند که این‌ها به پنج قسم تقسیم می‌شوند که بیست اثر را شامل می‌شد.

روایاتی که به انواع غیبت بر اساس عوامل و شرایطش اشاره می‌کند که شش یا هفت نوع می‌شد. از مجموع این روایات به خوبی استفاده می‌شود که غیبت یک گناه است و بی‌تردید حرام است. مجموعه‌ایات غیبت که هفت هشت مورد بود که به غیبت اشاره می‌کرد و مجموعه‌ای از روایات را هم بیان کردیم.

متعلقات

مجموعه‌ای از مباحث در ذیل بحث غیبت باید به آن مباحث متعرض بشویم. اولین بحث، درباره کبیره یا صغیره بودن غیبت است. در باب تقسیم گناه به صغیره و کبیره، دو نظریه وجود دارد که یکی مورد اتفاق فقها و علماء اخلاق است و یکی هم مورد اختلاف است. دیدگاه مورد اتفاق این است که معاصی و طاعات، دارای درجات‌اند. این‌گونه نیست که عبادات و گناهان یک درجه داشته باشند. هرکدام مراتبی دارند و بر اساس این‌ها در بهشت و جهنم هم و عذاب‌ها و ثواب‌هایی که داده می‌شود. عذاب و رضوان الهی هم مراتب دارد؛ لذا طاعات و هم معاصی و همچنین انسان‌ها از نظر روحی و فضایل و رذایل و هم پاداش‌های فضایل و رذایل و طاعات و معاصی ذو درجات است. امر اختلافی علماء و فقها این است که آیا معاصی به صغیره و کبیره به نحو مطلق - نه نسبی - تقسیم می‌شوند یا نه؟

صغیره و کبیره به نحو نسبی تقسیم می‌شود. وقتی در اینجا پنج درجه داریم، درجه سوم، نسبت به قبلی بالاتر می‌شود و نسبت به بعدی، پایین‌تر می‌شود؛ لذا صغیره و کبیره نسبی، مسلم است. وقتی گفتیم طاعات و معاصی درجات دارد، صغیره و کبیره هم به نحو نسبی داریم؛ یعنی وقتی از سلسله‌مراتب شروع کنیم یک نقطه‌ای داریم که این صغیره است و درجه اول است که مطلق است و یک کبیره علی‌الاطلاق است که شرک بالله است و مابقی هم بالنسبه است و هر کدام نسبت به بالاتر صغیره و نسبت به پایین‌تر کبیره است. این بحث، متفق علیه و اجماعی است. آیا به‌طور کلی می‌توان معاصی را دو شاخه کرد و آن را به کبیره و صغیره تقسیم کرد ولو اینکه در صغائر و کبائر درجات دارد ولی در تقسیم کلی، دو دسته معاصی داشته باشیم که یک دسته معاصی کبیره و دسته دیگر معاصی

صغیره می‌باشد و از نظر فقهی هم بگوییم که صغیره به تنهایی مضرّ به عدالت نیست ولی اگر اصرار شد مضر به عدالت می‌رساند ولی اگر یک کبیره هم باشد، مضرّ به عدالت می‌شود؟ آیا این بیان صحیح است؟
راجع به این سؤال، دو نظریه هست:

۱ - قول مشهور: غیر از دیدگاه و مراتبی که در قسم اول گفتیم و مورد اتفاق است و این که یک گناه کبیره علی‌الاطلاق داریم و بقیه هم بالنسبه صغیره و کبیره می‌شوند، علاوه بر این قسم، می‌توان گناهان را به دو دسته صغیره و کبیره تقسیم کرد و تفاوت فقهی‌اش هم این است که صغیره بماهی و بماهو فرد واحد، مضر به عدالت نیست، به خلاف کبیره که فرد واحدش هم مضرّ به عدالت است. این تقسیم کلیت دارد. این گونه نیست که بگوییم قتل نفس، نسبت به شرک، صغیره است و نسبت به غیبت، کبیره است، بلکه قتل نفس در لیست کبیره است با قطع نظر از مقایسه کردن این گناه با سایر معاصی و یک بارش هم منجر به سقوط از عدالت می‌شود ولی حلق لویه، صغیره است و با یک بار، فرد از عدالت ساقط نمی‌شود.

نظر مشهور متقوم به این نکات است:

- دو لیست داریم که یکی صغیره و دیگری کبیره است.

- غیر از این که نسبی است، یک صغیره و کبیره علی‌الاطلاق داریم.

- این دو لیست، آثار متفاوت از نظر روحی و اخلاقی و از نظر فقهی دارند و یکی از آثارش هم مخل بودن به عدالت است که صغیره و کبیره در اینجا متفاوت است.

- ملاک تشخیص گناه کبیره و صغیره چیست؟

دو سه نوع ملاک ذکر شده است که:

- یکی از آنها این است که آنچه در قرآن به آن وعده عذاب داده شده است، این گناه کبیره است و هرچه در قرآن نباشد، جزء کبائر نیست.

- بعضی می‌گویند علاوه بر این اگر در روایات هم وعده عذاب و خلود داده شده باشد، این هم جزء کبائر است.

قول مرحوم خوئی: ایشان تقسیم گناهان به صغیره و کبیره به این معنا را قبول ندارند. ایشان فقط تقسیم به نحو

اولی را می‌پذیرند ولی معنای دوم را قبول ندارند.

والسلام علیکم.